



اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن عدوهم

واجب فراموش شده – امام خامنه ای

راهبرد های مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر

نام کتاب: واجب فراموش شده

امام سید علی حسینی خامنه ای

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر

زبان: فارسی

واجب فراموش شده : راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر

مقدمه

خواستیم امر به معروف و نهی از منکر را بشناسیم و بدانیم وظیفه ما چیست. روزها به دنبال آیات و روایات گشتیم، رساله‌ها را زیر و رو نمودیم، با اساتید مصاحبه نمودیم و از گروه‌های امر و ناهی کسب تجربه کردیم. به حساب خود در دریای شناخت امر به معروف و نهی از منکر غرق شدیم. اما آن گاه که به کلام ولی نگرستیم، یافتیم که از آن دریا جز قطره‌ای نفهمیده‌ایم. مبهوت بحر عمیق ریزبینی، ظرافت و فراست ایشان در آیات و روایات شدیم. گوشه‌ای نبود که ایشان اشاره نکرده باشند. کلامی که گام‌ها از آخرین تجارب گروه‌های امر و ناهی جلوتر بود.

بنابراین این کتاب را با سیری موضوعی از بیانات مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر تهیه کردیم، باشد که در احیای این فریضه الهی قدمی برداشته باشیم.

با آرزوی توفیق الهی

گروه مؤلفان

آذر 1392

فصل اول: اهمیت

برتر از جهاد

امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي» یعنی امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه‌ی دین را محکم می‌کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌کند.

بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ

تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن (اسلام) و سعی در گسترش و تعمیق آن (اسلام) در جامعه، دارای وظیفه‌ای بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند.

شرط قوام حاکمیت اخیار

امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجم‌های دیگر، با شدت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است، که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَيْسَ سُلْطَنَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» قوامحکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد.

فلسفه قیام حسین بن علی (ع)

حسین بن علی (ع)، در خود فهماند که برای دنیای اسلام در چنین شرایطی، مبارزه با اصل قدرت طاغوتی و اقدام برای نجات انسانها از سلطه شیطان و اهریمنی این قدرت، واجب‌ترین کارهاست. بدیهی است که حسین بن علی (ع)، اگر در مدینه می‌ماند و احکام الهی را در میان مردم تبلیغ و معارف اهل بیت را بیان می‌کرد، عده‌ای را پرورش می‌داد. اما وقتی برای انجام کاری به سمت عراق حرکت می‌کرد، از همه این کارها بازمی‌ماند: نماز مردم را نمی‌توانست به آن‌ها تعلیم دهد؛ احادیث پیغمبر را نمی‌توانست به مردم بگوید؛ حوزه درس و بیان معارف او تعطیل می‌شد و از کمک به ایتم و مستمندان و فقرایی که در مدینه بودند، می‌ماند. این‌ها هر کدام وظیفه‌ای بود که آن حضرت انجام می‌داد. اما همه این وظایف را، فدای وظیفه مهم‌تر کرد. حتی آن‌چنان که در زبان همه مبلّغین و گویندگان هست، زمان حج بیت‌الله و در هنگامی که مردم برای حج می‌رفتند، این، فدای آن تکلیف بالاتر شد.

آن تکلیف چیست؟ همان‌طور که فرمود، مبارزه با دستگاهی که منشأ فساد بود: «أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي» یا آن‌چنان که در خطبه دیگری در بین راه فرمود: «ایها الناس! ان رَسولَ اللّٰهِ ﷺ قَالَ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللّٰهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللّٰهِ... فَلَمْ يَغْيِرْ بِفِعْلٍ وَ لَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللّٰهِ أَنْ يَدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» یعنی اغاره یا تغییر، نسبت به سلطان ظلم و جور؛ قدرتی که فساد می‌پراکند و دستگاهی که انسانها را به سمت نابودی و فناى مادى و معنوى

می کشاند. این، دلیل حرکت حسین بن علی (ع) است، که البته این را، مصداق امر به معروف و نهی از منکر هم دانسته اند؛ که در باب گرایش به تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، به این نکات هم باید توجه شود. لذاست که برای تکلیف اهم، حرکت می کند و تکالیف دیگر را ولو مهم فدای این تکلیف اهم می کند. تشخیص می دهد که امروز، کار واجب چیست؟ هر زمانی، یک حرکت برای جامعه اسلامی متعین است.

چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند؟

ما دشمن زیاد داریم. چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند و به این کشور ضربه بزند؟ بحمد الله ایران اسلامی، با قدرت و صلابت کامل، در مقابل همه شان ایستاد و ایستاده است. چرا؟ ایران که همان ایران صد و پنجاه سال قبل است! این، به خاطر احساس وظیفه شما، به خاطر همین حضور شما، به خاطر همین روحیه حزب اللهی شما و به خاطر این است که زن و مرد مسلمان، تا همه جا حاضرند از ایمان و اسلام و انقلابشان دفاع کنند. این هاست که این کشور را حفظ کرده است. مگر طور دیگری می شود این کشور را، با این همه دشمن و بدخواه که چشم طمع به منابع زیرزمینی و بازارهای آن دوخته اند، حفظ کرد؟! مگر می شود در مقابل آنها، بدون این روحیه مقاومت کرد؟! این گونه است که کشور حفظ می شود؛ با امر به معروف و نهی از منکر.

تنها دریچه ای امید

تنها دریچه ای امیدی هم که برای ملت های مسلمان باقی مانده، جمهوری اسلامی است؛ آیا ما این دریچه را ببندیم و امید ملت ها را کور کنیم؟ آیا ما هم سکوت کنیم؟ آیا ما هم در مقابل فشار قلدرا مانده ای قدرتهای بزرگ تسلیم بشویم؟ آیا حکم خدا این است؟ آیا خدا به این راضی است؟ آیا سنت جهاد در مقابل ظلم، و امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، اجازه ی چنین فکری را به ما می دهد؟ حاشا و کلاً. اینجا پرچم مبارزه ی با ظلم را حفظ خواهد کرد. ما در مقابل هر قدرت سلطه طلب و ستمگری که در برابر ملت ها به سرنیزه ی خود تکیه می کند، می ایستیم؛ هر کس می خواهد باشد. امریکا که هیچ؛ اگر قدرت و دولتی قدرت مندتر از امریکا هم باشد، در مقابلش می ایستیم.

هیچ چیز دیگر نمی تواند مقابل انحرافات دنیای امروز بایستد

بعثت، امروز هم مورد نیاز است. بشریت امروز، هم باید از درون متحول و تزکیه شود و هم نظم اجتماعی اش نظم عادلانه و قسط آمیزی گردد. امروز در دنیا قسط نیست، عدالت نیست. ظلم است و دنیا را از ظلم نسبت به ملت های مظلوم پر کرده اند. من به شما برادران عزیزی که مسؤولان جمهوری اسلامی هستید، یک جمله می خواهم عرض کنم: تنها شما می توانید در مقابل قدرتهای متکی به زور بایستید؛ مشروط به اینکه با همه ی وجود، پای احکام نجات بخش اسلام و تبعیت از احکام قرآنی بایستید و بی هیچ رودربایستی و بی هیچ ملاحظه از کسی، در این راه و صراط مستقیم حرکت کنید. آن وقت است که

خوب می‌توانید ایستادگی کنید ... حتی با شعارهای شما هم دشمنند. آن‌ها شعار امر به معروف و نهی از منکر را تمسخر می‌کنند؛ شعار حزب‌اللهی‌گری را تمسخر می‌کنند و شما را متهم می‌نمایند. اما حقیقت این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب‌اللهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحرافها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد. هیچ‌چیز دیگر نمی‌تواند. ملتها هم این را می‌خواهند.

تاریخ قصه نیست

عبرت ماجرای امام حسین(ع) این است که انسان فکر کند در تاریخ و جامعه‌ی اسلامی؛ ... چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه میکروبی وارد کالبد این جامعه شده است که بعد از گذشت نیم قرن از وفات پیامبر(ص) و بیست سال از شهادت امیرالمؤمنین(ع)، در همین جامعه و بین همین مردم، کسی مثل حسین بن علی(ع) را با آن وضع به شهادت می‌رسانند؟! چه اتفاقی افتاد و چطور چنین واقعه‌ای ممکن است رخ دهد؟ آن هم نه یک پسر بی‌نام و نشان؛ بل کودکی که پیامبر

اکرم^[2] او را در آغوش خود می‌گرفت، با او روی منبر می‌رفت و برای مردم صحبت می‌کرد. او پسری بود که پیامبر(ص) درباره‌اش فرمود: «حُسَيْنٌ مَنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» رابطه‌ی بین این پدر و پسر، این‌گونه مستحکم بوده است. آن پسری که در زمان حکومت امیرالمؤمنین(ع)، یکی از ارکان حکومت در جنگ و صلح بود و در سیاست مثل خورشیدی می‌درخشید. آن وقت، کار آن جامعه به جایی برسد که همین انسان بارز و فرزند پیامبر(ص)، با آن عمل و تقوا و شخصیت فاخر و عزت و با آن حلقه‌ی درس در مدینه و آن همه اصحاب و یاران علاقه‌مند و ارادتمند و آن همه شیعیان در نقاط مختلف دنیای اسلام را، با آن وضعیت فجیع محاصره کنند و تشنه نگه دارند و بکشند و نه فقط خودش، بلکه همه‌ی مردانش و حتی بچه‌ی شش‌ماهه را قتل عام کنند و بعد هم زن و بچه‌ی این‌ها را مثل اسرای جنگی اسیر کنند و شهر به شهر بگردانند. قضیه چیست و چه اتفاقی افتاده بود؟ این، آن عبرت است. ...

یکی از مسائلی که عامل اصلی چنین قضیه‌ای شد، این بود که رواج دنیاطلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حساسیتِ مسؤولیت ایمانی را گرفت.

مدینه مرکز معروف‌ترین رقاصان

اینکه ما روی مسأله‌ی فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می‌کنیم، یک علت عمده‌اش این است که جامعه را تخدیر می‌کند. همان مدینه‌ای که اولین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین موسیقی‌دانان و آوازخوانان و معروف‌ترین رقاصان تبدیل شد؛ تا جایی که وقتی در دربار شام می‌خواستند بهترین مغنیان را خبر کنند، از مدینه آوازه خوان و نوازنده می‌آوردند!

این جسارت، پس از صد یا دویست سال بعد انجام نگرفت؛ بلکه در همان حول و حوش شهادت جگر گوشه‌ی فاطمه‌ی زهرا[ؑ] و نور چشم پیامبر(ص) و حتی قبل از آن، در زمان معاویه اتفاق افتاد! بنابراین، مدینه مرکز فساد و فحشا شد و آفازاده‌ها و بزرگ‌زاده‌ها و حتی بعضی از جوانان وابسته به بیت بنی هاشم نیز، دچار فساد و فحشا شدند! بزرگان حکومت فاسد هم می‌دانستند چه کار بکنند و انگشت روی چه چیزی بگذارند و چه چیزی را ترویج کنند. این بلیه، مخصوص مدینه هم نبود؛ جاهای دیگر هم به این‌گونه فسادها مبتلا شدند....

تمسک به دین و تقوا و معنویت و اهمیت پرهیزکاری و پاک‌دامنی، اینجا معلوم می‌شود. اینکه ما مکرر در مکرر، به بهترین جوانان این روزگار که شما باشید، این همه سفارش و تأکید می‌کنیم که مواظب سیل گنداب فساد باشید، به همین خاطر است. در کجا چنین جوانانی را سراغ داریم؟ نظیر این‌ها را خیلی کم داریم و در هیچ جای دنیا تعدادشان به این کثرت نیست. بنابراین، باید مواظب موج فساد بود.

عاقبت ترک امر به معروف و نهی از منکر

وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست، یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه‌ی فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات ناکامی تلاشهای امیر مؤمنان(ع) با آن قدرت و عظمت در ادامه‌ی این راه، که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود.

ظلم‌های عجیب و غریب و استثنایی

روایتی که می‌خوانم، روایت تکان‌دهنده و عجیبی است. می‌فرماید: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِیْسُلَطَنَ اللّٰهُ عَلَیْكُمْ شِرَارُكُمْ فِیْدَعُوْا خِیَارُكُمْ فَلَا یُسْتَجَابُ لَهُمْ»؛ باید امر به معروف و نهی از منکر رامیان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین(ع) در رأس آن قرار داشت و در آنجا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجاج چه کسی بود؟ حجاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حجاج یک انسان را می‌کشت. یک‌بار حجاج دستور داد و گفت همه‌ی مردم کوفه باید بیایند و شهادت بدهند که کافرند و از کفر خودشان توبه کنند؛ هرکس بگوید نه، گردنش زده می‌شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این‌گونه دچار ظلم‌های عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند.

وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلاف کاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و بتدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدم‌های ناباب فراهم خواهد شد.

ما هم دچار لعنت خدا خواهیم شد

تهدید خدا را گند م شمارید، دیر شده ندانید. خداوند نسل گذشته‌ای را که پیش روی شما بودند از رحمت خود دور نساخت، مگر به خاطر آن که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. نسل گذشته ما از رحمت خدا دور شده بود. دچار نفرین و لعنت شده بود. اون نسلی که هم اسارت فکری داشت و هم اسارت مادی. هم اخلاقش فاسد شده بود، هم شکمش گرسنه بود، هم هیچ گونه اختیاری برای سرنوشت‌سازی خود نداشت. چرا این نسل گذشته ما که خود ما هم در آن نسل حضور داشتیم و در سرنوشت آنان شریک بودیم از رحمت خدا دور بودند؟ به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر نکردند. امروز اگر ما هم امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، باید بدانیم با اینکه انقلاب کرده‌ایم و در قدم اول پیش رفته‌ایم، عقب خواهیم ماند و دچار لعنت خدا خواهیم شد. امروز بر ما هم لازم است که امر کنیم به نیکی و نهی کنیم از بدی. ...

«فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرْنَ الْمَاضِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لَتَرْكِبِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَالْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي»

اون کسانی که سبک‌سران جامعه بودند، گناه کردند، تن به پستی‌ها و رذالت‌ها دادند. تن به خودخواهی‌ها دادند. زندگی نقد خود را فقط خواستند. خدا به خاطر این عمل، اون‌ها را از رحمت خود دور کرد و بزرگان و زبدهگان و اندیشمندان این جهالت مردم را دیدند و اون‌ها را بازداشتند.

راه رسیدن به جامعه‌ی کاملاً اسلامی

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد.

نقش آفرینی دینی مردم برای ایجاد تمدن اسلامی

برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. ... حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند

که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. اینیک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین طور. ... البته در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده سازی خود برای این که در یک جایگاه نقش آفرین قرار گیرند.

نمی گذارد دشمن پیروز شود

عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می کنند، نوار بد درست می کنند، حرفهای بد درست می کنند، شعر بد می گویند، داستان بد می نویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می دهند. این مورد اخیر- ماهواره- واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهر آگین خود را به سمت ملتها و کشورها هدف گیری می کند. بحمد الله سال گذشته، مجلس شورای اسلامی، با حسن فهم قضیه، ماهواره را ممنوع کرد. با این همه، اگر در جامعه، به دستور اسلام و فرموده ی قرآن عمل شود، هیچ کدام از ابزار و عوامل فساد، نمی تواند کمترین اثری بکند. به معنای دقیق تر، توجه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمی گذارد دشمن پیروز شود. این است که جامعه ی اسلامی، یک جامعه ی ماندگار است. این است که «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» این است که «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» این است که «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»

فصل دوم: وجوب

واجب فراموش شده

ما باید خود را به سرچشمه ی اسلام برسانیم تا زندگی به تمامی شیرین شود. قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» من می خواهم این واجب فراموش شده ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر. همه ی آحاد مردم باید وظیفه ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قائل باشند. این، تضمین کننده ی حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم.

معنای امر به معروف و نهی از منکر

البته ما باید تأسّف بخوریم از اینکه معنای امر به معروف و نهی از منکر درست تشریح نمی‌شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است. البته یک مرحله‌ی قبل از زبان هم دارد که مرحله‌ی قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروفِ زبانی، کامل خواهد شد.

مسئولیت انقلابی

چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

گفتن به زبان بر همه واجب است

امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد. مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و با زور. این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجازه‌ی حکومت انجام بگیرد و لا غیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

واجب حتمی آحاد مردم و مسؤولان

یک نکته را هم می‌خواهم یادآوری کنم و آن نظام امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است؛ فقط من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر است.

پرهیجان‌ترین خطاب

بخش دیگری که باز آن را مختصر عرض می‌کنم که مربوط به عموم مردم است در درجه‌ی اول عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر در مسائل اجتماعی. البته در مسائل فردی، تقوا بسیار زیاد مورد توصیه‌ی امیرالمؤمنین(ع) است؛ اما در زمینه‌ی مسائل اجتماعی شاید هیچ خطابی به مردم شدیدتر، غلیظ‌تر، زنده‌تر و پُرهیجان‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نیست. امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه‌ی عمومی است.

بر همه واجب است، مافوق و یا زیردست

یک وقت دو نفر تاجر و کاسبند و باهم همکاری و رفاقت می کنند، آن یک حکم دارد؛ یک وقت است که آن کسی که مسؤول دولتی است و قدرت و اجازه و امضاء در دست اوست، با یک نفر رابطه‌ی ویژه برقرار می کند؛ این آن چیزی است که ممنوع و گناه و حرام است و نهی از آن بر همه‌ی کسانی که این چیزها را فهمیده‌اند در خود آن اداره، در خود آن بخش، بر ما فوق او، بر زیردست او واجب است؛ تا فضا برای کسی که اهل سوءاستفاده است، تنگ شود.

یکی از محورهای اصلی توصیه‌های امیرالمؤمنین

هر کسی به هر طریقی که می تواند؛ یک مسؤول یک طور می تواند، یک مشتری نانواپی یک طور می تواند، یک کارگر نانواپی یک طور دیگر می تواند. طبق بعضی از آمارهایی که به ما دادند، مقدار ضایعات نان ما برابر است با مقدار گندمی که از خارج وارد کشور می کنیم! آیا این جای تأسف نیست؟! همه‌ی اینها منکرات است و نهی از آنها لازم است. طبق نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع) نهی از اینها را یکی از محورهای اصلی توصیه‌های خود قرار داده است. در باب مسؤولان، آن طور مشی کردن و عمل کردن و دستور دادن و قاعده معین کردن؛ در باب عموم مردم هم آنها را وادار کردن به حضور، به فعالیت و به احساس مسؤولیت در مسائل اجتماعی، با همین امر به معروف و نهی از منکر.

ندای خرد

هر چند فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و دیگر امامان (ع) دارای لحنی کم‌نظیر و تکان‌دهنده است، ولی اگر کسی از این همه چشم‌پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی‌شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خردِ سالم، ستایش نمی‌کند؟ و کدام انسان خیرخواه و حسّاس، از آن روی می‌گرداند؟

باید بروید یاد بگیرید

مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله‌ی نماز است. یاد گرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسئله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟

یک جاهایی بیان نکردن حرام است

اما نکته‌ی پایانی در این بحث امروز من (حدود آزادی بیان)، این است که اسلام یک خصوصیت دیگری دارد و او این است که یک جاهایی عدم بیان را اسلام ممنوع کرده. یعنی مسأله فقط این نیست که بیان کردن مجاز است، بلکه بالاتر از این بیان نکردن حرام است. یک جاهایی باید بیان کرد، آن جاهایی که کتمان حقیقت علیه مصالح نظام اسلامی است، علیه منافع رشد فکری جامعه است آن جا بیان واجب است. کتمان حقیقت حرام است، که این هم یکی از خصوصیات اسلام است که آیات فراوانی در قرآن دارد برادرانی که می‌خواهند دنبال کنند آیات بیان و تبیین «لتبینه للناس و لاتکتبون» آیات کتمان اینها را ملاحظه می‌کنید در قرآن، خواهید دید که بیان کردن و ارائه‌ی حقیقت کردن در یک جاهایی این لازم است و این تضمین واقعی بقای نظام بر خط اسلام است. یعنی اگر مصالح نظام اسلامی و مصالح مسؤولین - مصالحی که ارتباط به اسلام دارد نه مصالح شخصی‌شان - آن قدر مهم است که یک جاهایی بیان کردن را غیرمجاز می‌کند اما همین نظام، همین دستگاه، همین مسؤولین اگر قرار شد از خط اسلام منحرف بشوند، اگر بنا شد که راه را عوضی بروند، اگر سرنوشت نظام اسلامی تهدید به انحراف از مبانی اسلامی شد، این جا تکلیف چیز دیگری می‌شود، این جا بیان کردن واجب است. امر به معروف و نهی از منکر لازم است. «نصيحة الائمة المسلمین» لازم است و افشای حقایق برای مردم لازم است که مجموعه‌ی اینها نظر اسلام را در باب بیان و آزادی اظهار عقیده روشن می‌کند.

فصل سوم: تأثیر

احتمال تأثیر همه جا قطعی است

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌ها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید، زبان است.

واقعاً معجزه می‌کند

من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعاً یکی از معجزات اسلام می‌دانم. مثلاً یک نفر کار خلافی می‌کند، می‌گویند آقا شما این کار را نباید می‌کردی. این مطلب را بگو و برو. می‌گوید او برمی‌گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خوب؛ حالا دو تا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمل کنید. اگر نفر دوم هم بگوید آقا شما باید این کار را نمی‌کردی؛ بدانید اگر دعوا هم بکند، دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اول کرده است. نفر سوم و نفر دهم و نفر بیستم هم همین‌طور. بنابراین، اگر نهی از منکر باب شد و تا نفر بیستم رسید، شما خیال می‌کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟ نهی از منکر واقعاً معجزه می‌کند. فقط هم زبانی؛ دیدش در اختیار حکومت است؛ یعنی اگر جایی باید با گناهکار به صورت یدی و مجازاتی برخورد کنند، فقط دستگاه‌هایی از حکومت هستند که مسؤول این کارند؛ مردم نباید بکنند. اما زبانی چرا؛ خیلی هم اثر دارد.

انزوای گناه

گفتن گناه به گناهکار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جایی هم با زبان تند- در مواردی که مفسده‌یی به وجود نیاید- گناه را در جامعه کم خواهد کرد و به ضعف و انزوا خواهد انداخت. چرا ما از این موضوع غافلیم؟ همه‌ی آحاد مردم، در محیط کسب و خانه و جمع دوستان و در محیط درس و دانشگاه و کلاً در هر جایی که هستند، اگر خلافتی را دیدند، به خلاف کار بگویند: این، از نظر اسلام خلاف است؛ چرا انجام می‌دهی؟ گفتن همین یک کلمه مؤثر است. اگر زبانهای گوناگون و نفسهای مختلف گناه را تذکر بدهند، گناهکار به طور غالب از گناه و تخلف دست خواهد کشید؛ چه این تخلف، تخلف شرعی و چه تخلف از قوانین باشد.

در سطح جهانی هم همین‌طور است. حتی همین شقاوت‌مندهایی که امروز بر سیاستهای بزرگ جهانی حاکم هستند، اگر ملتها به آنها می‌گفتند و اعتراض می‌کردند، قدری از شقاوت خود می‌کاستند. امروز شما ببینید که سیاستهای قدرتمند عالم چه می‌کنند؟ ببینید قدرت امپراتوری مجهز به زر و زور امریکا، با ملتها و دولت‌ها و ارزش‌ها و ثروتهای مردم در سراسر دنیا چه می‌کند؟

امر و نهی ارزشمندتر

کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می‌کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر می‌داریم، هرچه بزرگتر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرف‌تر و ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است.

کمک به محدود کردن بدی و شرّ

اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر در نمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه! این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شرّ است؛ کمک به این است که در جامعه‌ی اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود.

نگذاریم «منکر» «معروف» و «معروف» «منکر» شود

یکی از عواملی که در جامعه از بدیها جلوگیری می کند، نهی از منکر و منکر ساختن منکر است. نگذاریم «منکر» «معروف» و «معروف» «منکر» شود.

بنابراین اولین فایده ای امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند.

گناه همیشه گناه بماند

بدترین خطرهای این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود. بدترین توطئه ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب کارهایی که دین به آنها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آنهاست در نظر مردم به کارهای بد، و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود. این خطر بسیار بزرگی است.

فسادی از این بالاتر در این دنیا نیست

کار دنیا به جایی رسیده است که قدرتهای زورگوی عالم، جلو چشم مردم دنیا، معروف را منکر و منکر را معروف می کنند! به نظر من، در عالم فساد و تباهی بشریت، هیچ چیز دیگر بالاتر از این نیست. اینکه پیغمبر اکرم طبق روایت فرمود: «کسانی پیدا خواهند شد که امر به منکر و نهی از معروف می کنند» و مردم که تعجب کردند، فرمود: «منکر معروف خواهد شد»؛ انسان احساس می کند که امروز هم در دنیا چنین وضعی را دست قدرت مادی استکباری لجام گسیخته می متکبر متفرعن زورگوی استکبار به وجود می آورد. روراست به مردم دروغ می گویند و این دروغ را یک کار مقدس می شمارند! ظلم را تشویق می کنند و ظالم را به خاطر این ظلم، ذی حق به حساب می آورند! مظلوم را نکوهش می کنند و بر سر مظلوم می زنند و این بر سر مظلوم زدن را کاری خوب به شمار می آورند!

نقش تربیتی امر به معروف در سیر لقاء الهی

افراد بشر مثل کسانی هستند که برای گذراندن دوره ای، به اردوگاهی برده می شوند... اینجا، همان اردوگاه بزرگ است... برای ما در این اردوگاه، برنامه هایی قرار داده شده است که با آن می توانیم خود را بالاتر ببریم و آماده ی ورود به سر منزل نهایی و حقیقی آفرینش انسان کنیم، که همان لقاء لله است... بعضی از این برنامه ها، از لحاظ معنوی و روحی و قلبی، رابطه ی انسان با خدای متعال را برقرار می دارد؛ مثل نماز و ذکر و توجه و تضرع و توسل به پروردگار و... بعضی از برنامه ها، اخلاقیات و ملکات انسان را تصحیح و عیوب را از روح انسان برطرف می کند؛ مثل دستورهای اخلاقی... بعضی از

برنامه‌ها، روابط فردی و اجتماعی ما را با انسان‌هایی که در این جهان و اردوگاه بزرگ هستند، تنظیم می‌کند. حتی رابطه‌ی ما با اشیاء و حیوانات را... بعضی از این برنامه‌ها، فضای زندگی را قابل زیست می‌سازد؛ مثل برنامه‌ی حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، دشمنی با ستمگران، خوبی و نیکی با مردمان صالح و مؤمن، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر و دیگر برنامه‌هایی که مربوط به سطح جهان و محیط زندگی و جوامع است.

خودسازی در عرصه سیاسی

ببینید؛ یک انسان (امام حسین(ع))، هم در تلاش نفسانی و شخصی - تهذیب نفس - آن حرکت عظیم را می‌کند؛ هم در صحنه و عرصه‌ی فرهنگی، که مبارزه‌ی با تحریف، اشاعه‌ی احکام الهی و تربیت شاگرد و انسانهای بزرگ است و هم در عرصه‌ی سیاسی که امر به معروف و نهی از منکر است. بعد هم مجاهدت عظیم ایشان، که مربوط به عرصه‌ی سیاسی است. این انسان، در سه عرصه مشغول خودسازی و پیشرفت است. عزیزان من! این انسان الگوست، لحظه‌ای نباید متوقف شد.

بهترین دفاع، حمله است

باید دائم در حال پیشرفت بود؛ چون دشمن منتظر خاکریز نرم است که نفوذ کند. دشمنمنتظر توقف است تا حمله کند. بهترین راه برای متوقف کردن حمله‌ی دشمن و بر هم زدن آرایش او، حمله‌ی شماست. پیشرفت شما حمله به دشمن است.

شکست ناپذیر

عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید! یکی از عوامل بقا، همین عاشورا است. یکی از عوامل بقا، امر به معروف و نهی از منکر است. ... نظام و جامعه‌ی اسلامی، اگر خود را به گونه‌ای که اسلام فرموده است شکل دهد، و عوامل بقا را در خود فراهم کند، هیچ نیرویی در دنیا قادر به مقابله با آن نخواهد بود؛ نه نیروی مادی و نه نیروی نظامی، که پیوسته تهدید می‌کنند هواپیما می‌آید؛ موشک می‌آید، چه می‌آید، چه می‌آید، مگر می‌توانند؟! ... البته، شرط ناکامی و ناتوانی استکبار این است که در اینجا، همان گونه که اسلام فرموده است، عمل شود. یعنی: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ». در این صورت، حتی با ابزارهای فساد هم نخواهد توانست کاری کند.

لبیگ گویان دعوت به امر به معروف

هنگامی که به این وظیفه عمل شود، به تعداد آمران و ناهیان، دعوت به خیر در میان مردم صورت می گیرد، و بی گمان لبیک گویان به این دعوت نیز کم نخواهند بود. این فراخوانی، بگمان زیاد بر خود داعیان نیز نشانه‌ی نیک بر جای می گذارد و از دو سو راه صلاح را هموار می سازد.

نظام همیشه جوان

من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر است. باید از شیوه‌ها و وسایل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهار تا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می افتد، نه ارزش تأثیرگذاریش ساقط می شود. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته‌ی به امر به معروف و نهی از منکر است. این هاست که نظام را همیشه جوان نگه می دارد. حال که نظام ما بیست و یک ساله و جوان است و در مقایسه‌ی با نظام فرتوت هفتاد و چندساله‌ی پیر کمونیستی در شوروی به طور طبیعی هم جوان است؛ اما اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه‌ی خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تروتازه و باطراوت و شاداب می ماند.

حکومت صالحان

چنین است که عمل به این وظیفه، تضمین کننده‌ی دوام و استحکام حکومت صالحان است، و رهاکردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه ساز سلطه‌ی اشرار و نابکاران.

نمی گوئید، خیال می کنید نمی شود

سؤال: لطفاً بفرمایید آیا در زمینه فرهنگی، اقدام انقلابی را صلاح می دانید؟ به عبارت دیگر، در زمینه فسق و فجور، آیا برخورد فیزیکی را در مواردی که مسؤولان کوتاه آمده و به وظیفه خود عمل نمی کنند، صلاح می دانید؟

جواب: نه. شما شرعاً به هیچ وجه موظف به برخورد فیزیکی با منکر نیستید؛ شما فقط موظف به گفتن هستید. شما چه کار دارید؛ حرف خود را بگویید. شما نمی گوئید، خیال می کنید که اگر بگویید، نمی شود. امتحان کنید، بگویید؛ بارها هم بگویید. البته یک نفر بگوید، معلوم است که اثر نمی کند. دیگران را وادار کنید بگویند. خود گفتن، اثرش به مراتب از مشت بیشتر است؛ حتی گاهی از اخم هم اثرش بیشتر است؛ با این که اخم اثر سازنده دارد و مثل مشت نیست. به هر حال، در نهی از منکر، اگر برخورد فیزیکی لازم باشد، کار حکومت است، نه کار مردم.

فصل چهارم: شیوه صحیح

فراخواندن به راه خدا با حکمت

قرآن می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» حکمت، حکمت، حکمت. اندیشه‌ی مستحکم را تعبیر به حکمت می‌کنند. حکمت، که انبیا به آن ممتازند و از آن بندگان برگزیده و صالح است، همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلانی نمی‌تواند آن را نفی کند و از بین ببرد. هیچ استدلال و تجربه‌ای هم نمی‌تواند آن را خنثی کند. شما در قرآن به آیاتی که حکمت را معین می‌کند، بنگرید، و ببینید چه چیزهایی است: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» چیزهایی است که اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند، نمی‌تواند آن‌ها را رد کند. هیچ منکری، هیچ مغرضی، هیچ معاندی نمی‌تواند در رد آن‌ها بکوشد. حکمت یعنی مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها. اینکه حکما، حکمت را «صيرورة الانسان عالماً مُضاهياً للعالم الحسنى» می‌گویند، همان است. یعنی چنان افکار برجسته و مستحکم و غیر قابل خدشه‌ای در روح او - بنده‌ی برگزیده و صالح - گسترش پیدا کرده است، که خود تبدیل به یک عالم شده است و شما می‌توانید کون را وجود راه، و همه‌ی گیتی را در سخن او، در اشاره‌ی او و در اقدام او مشاهده کنید.

این، حکمت است. آن وقت «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» این‌گونه مردم را به سوی خدا دعوت کنید. «وَأَلْمُوعِظَةُ الْحَسَنَةُ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» این هم هست. یعنی این‌ها عوامل بقاست. این‌ها هست که تفکر اسلامی تا امروز توانست بماند.

امر و نهی صادقانه

وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می‌کنید مثلاً احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر و می‌گویید این کارها را بکن؛ هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می‌کنید مثلاً ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نمّامی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن و می‌گویید این کارها را نکن؛ وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود شما هم طبق همین امر و نهیتان عمل می‌کنید. اگر خدای نکرده دل با زبان همراه نباشد، آن‌گاه انسان مشمول این جمله می‌شود که «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ». کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند، اما خود او به آن عمل نمی‌کند؛ مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود؛ چنین شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود و سرنوشت بسیار خطرناکی خواهد داشت.

با رفق و مدارا

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر حدیثی دیدم که از جمله چیزهایی که برای امر به معروف و ناهی از منکر ذکر می‌کند، «رَفِیقٌ فِیْمَا یَأْمُرُ وَ رَفِیقٌ فِیْمَا یَنْهَى» بود. آن جایی که جای رفق است که غالب جاها هم از این قبیل استانسان باید با «رفق» عمل کند؛ برای اینکه بتواند با محبت آن حقایق را در دلها و در ذهنها جا بدهد و جایگزین کند. تبلیغ برای این است؛ برای زنده کردن احکام الهی و اسلامی است.

با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت

خودتان رامجهز کنید، مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی - هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید. باروی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «وَسَنَّهٌ مِنْ نَبِیِّهِ»، که ظاهراً عبارت است از «مُدَارَاةُ النَّاسِ»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهرزنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هایی که در استقبال امروز بودند، خانم‌هایی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دل‌باخته‌ی به این اهداف و آرمانهاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخ اهرآنچه گویی هستم / آیاتو چنان که می‌نمایی هستی؟». ماهم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت.

سلاح زبان

پس، بینش سیاسی لازم است؛ اما همه چیز نیست؛ اصل قضیه، آن ایمان الهی معنوی است که باید در دل‌های شما باشد؛ خودتان را دینی بسازید. جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا این واجب امر به معروف، امر به کارهای خوب در جامعه‌ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی‌تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی خیال می‌کنند تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه، ما سلاحی داریم که از مشت کارگرت‌تر است. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگرت‌تر و نافذتر و مؤثرتر است؛ مشت کاری نمی‌کند.

لازم نیست سخنرانی بکنید

بعضی جوانان به ما نامه می نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی، مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب، مقابله بکنید؛ اما چطور؟ بریزید، طرف مقابل را تکه پاره کنید؟! نه، این نیست. حرف بزنید، بگویید؛ یک کلمه بیشتر هم نمی خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید. کسی که می بینید خلافتی را مرتکب می شود دروغ، غیبت، تهمت، کین ورزی نسبت به برادر مؤمن، بی اعتنائی به محرمات دین، بی اعتنائی به مقدسات، اهانت به پذیرفته های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت، یک کلمه ای آسان بیشتر نمی خواهد؛ بگویید این کار شما خلاف است، نکنید؛ لازم هم نیست که با خشم همراه باشد. شما بگویید، دیگران هم بگویند، گناه در جامعه خواهد خشکید.

نهی از منکر زبانی عامل اصلاح جامعه

البته من عرض می کنم قبلاً هم گفته ام در جامعه ای اسلامی، تکلیف عامه ای مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسئولین است. آن ها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهم تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلاف کار، به آن آدمی که اشاعه ای فحشا می کند، به آن آدمی که می خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده ترین چیزهاست. همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب اللهی؛ یعنی همین عامه ای مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همینهایی که جنگ را اداره کردند؛ همینهایی که از اول انقلاب تا به حال با همه ی حوادث مقابله کردند، در این مورد مهم ترین نقش را می توانند داشته باشند.

بزرگترین حربه

امر به معروف و نهی از منکر یک واجب است که رودر بایستی و خجالت بر نمی دارد. ما گفتیم اگر دیدید کسی مرتکب خلافتی می شود، امر کنید به معروف و نهی کنید از منکر. یعنی به زبان بگویید. نگفتیم مشت و سلاح و قوت به کار ببرید. این ها لازم نیست. خدای متعال که این واجب را بر ما مسلمانان نازل فرموده است، خودش می داند مصلحت چگونه است. ما هم تا حدودی حکم و مصالح الهی را درک می کنیم. بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. اینکه یک نفر بگوید اما ده نفر ساکت بنشینند و تماشا کنند، نمی شود. اگر یکی دچار ضعف نفس بشود، یکی خجالت بکشد و یکی بترسد، اینکه نهی از منکر نخواهد شد.

تکرار شکننده است

در مقابل این منکرات، عامل بازدارنده، نهی است؛ نهی از منکر. بگویید: «آقا، نکن.» این تکرار «نکن» برای طرف مقابل، شکننده است. این نکته‌ی اول؛ که نهی از منکر، اراده و تصمیم و قدرت و شجاعت لازم دارد، که بحمد الله، در قشرهای مردم ما و در زن و مرد ما وجود دارد. باید آن را به کار بگیرید. منتظر نباشید که دستگاه‌ها بیایند و کاری بکنند.

بهترین شیوه‌ی برخورد با منکرات چیست؟

بستگی به این دارد که چه کسی بخواهد برخورد کند. اگر شما بخواهید برخورد کنید، «زبان» است. شما به غیر از زبان، هیچ تکلیف دیگری ندارید. نهی از منکر برای مردم، فقط زبانی است. البته برای حکومت، این‌طور نیست. اگر منکر بزرگی باشد، برخورد حکومت احیاناً ممکن است برخورد قانونی و خشن هم باشد؛ لیکن نهی از منکر و امر به معروفی که در شرع مقدس اسلام هست، زبان است؛ «إِنَّمَا هِيَ اللِّسَانُ».

مؤثرتر از مشت پولادین حکومتها

تعجب نکنید. من به شما عرض می‌کنم که تأثیر امر و نهی زبانی اگر انجام گیرد از تأثیر مشت پولادین حکومتها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عده‌ای این کار را می‌کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگویید، نفر سوم بگویید، نفر دهم بگویید، نفر پنجاهم بگویید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟

بارها گفته شود

نهی از منکر کردن، مثل این است که بگویید آقا چرا این کار را می‌کنی؟ این چه حرکت بدی است که انجام می‌دهی؟ یک نفر بگوید، دو نفر بگویند، ده نفر بگویند؛ بالاخره طرف مجبور می‌شود ترک کند؛ یعنی اگر بارها گفته شد، روحاً مغلوب می‌گردد.

خواهش ممنوع

طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه‌ی عامه‌ی مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه اینکه از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت

استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هرکسی هست، بنده که طلبه ی حقیری هستم، از بنده مهم تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد.

غیر از تمنا کردن است

سوال: چند وقتی است که مشکل بدحجابی و ارائه ی فرهنگهای غلط در دانشگاهها دغدغه ی بسیج این دانشگاهها شده است. اگر قاطعیت را ملازمه ی کارمان کنیم، مطرود خواهیم شد. پیشنهاد حضرت عالی چیست؟

جواب: قاطعیت یعنی چه؟ یعنی برخورد فیزیکی و جسمانی؟ این که درست نیست و ما اصلاً این را توصیه نمی کنیم؛ اما گفتن و تذکر دادن، خوب است. چه اشکال دارد با اخلاق خوب تذکر دهند؟ دیروز حدیثی را برای جمعی می خواندم که امر به معروف و ناهی از منکر باید خودش به آنچه دارد امر و نهی می کند، هم عالم باشد و هم عامل. «رَفِیقٌ فِیْمَا یَأْمُرُ وَ رَفِیقٌ فِیْمَا یَنْهَی»؛ با رفیق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن - بکن، نکن - غیر از تمنا کردن است؛ اما همین را با رفیق، مدارا و محبت - نه با خشونت - انجام دهد. به نظرم این طوری باید عمل شود.

فصل پنجم: مصادیق معروف و منکر

باید معروف و منکر را بشناسید

البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است.

لزوم یادگیری احکام

بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد تا مبدا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود.

بزرگترین معروف

بزرگترین نعمت خدا وجود این نظام است و بزرگترین معروف، دفاع از این نظام است. این بزرگترین کاری است که باید انجام گیرد. عده‌ای برای مقابله با این نظام کمر بسته‌اند -چه از راه نظریه‌پردازی و چه از راه تبلیغات سیاسی و موذی‌گری‌های گوناگون- و در نظام خدشه وارد می‌کنند. مسأله آنها، انتقاد به نظام یا به مسؤولان نظام نیست؛ از نظر آنها انتقاد، وسیله‌ای برای نابود کردن خود نظام است.

بالاترین تخلف

تخلف‌ها یک اندازه و یک نوع نیست. بالاترین تخلف‌ها، آن تخلف‌ها و جرایمی است که پایه‌های نظام را سست می‌کند: نومید کردن مردم، نومید کردن دل‌های امیدوار، کج نشان دادن راه راست، گمراه کردن انسانهای مؤمن و بااخلاص، سوءاستفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی، کمک کردن به دشمن، مخالفت کردن با احکام اسلامی و تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن.

مصدق بزرگ امر به معروف

امام حسین(ع) قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه‌ی اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه‌ی اسلامی است، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است.

مهمترین حوزه

البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگون دارد که باز مهم‌ترینش حوزه‌ی مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آنها بخواهند. این مهم‌ترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.

گناهکار فقط بدحجاب نیست

گناهکار فقط بدحجاب نیست که بعضی فقط به مسأله‌ی بدحجابی چسبیده‌اند. این، یکی از گناهان است و از خیلی از گناهان کوچک‌تر است. خلاف‌های فراوانی از طرف آدم‌های لایبالی در جامعه وجود دارد؛ خلاف‌های سیاسی، خلاف‌های

اقتصادی، خلاف در کسب و کار، خلاف در کار اداری، خلافهای فرهنگی. اینها همه خلاف است. کسی غیبت می کند، کسی دروغ می گوید، کسی توطئه می کند، کسی مسخره می کند، کسی کم کاری می کند، کسی ناراضی تراشی می کند، کسی مال مردم را می دزدد، کسی آبروی مردم را بر باد می دهد. اینها همه منکر است.

خودنمایی و جلوه فروشی

وضع حجاب راه، وضع عفاف راه، وضع تقیّدات و پایبندی را خانمها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است. در حالی که ملاحظه‌ی عفاف، ملاحظه‌ی حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی‌ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانمها خیلی باید مراقبت کنند مسئله‌ی حجاب راه، مسئله‌ی عفاف راه؛ وظیفه‌ی آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست.

منکرات در خانواده

در محیط خانواده هم می شود نهی از منکر کرد. در بعضی از خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی شود؛ در بعضی از خانواده‌ها حقوق جوانان رعایت نمی شود؛ در بعضی از خانواده‌ها، بخصوص حقوق کودکان رعایت نمی شود. اینها را باید به آنها تذکر داد و از آنها خواست. حقوق کودکان را تضییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آنها محبت نکند؛ نه. سوء تربیتها، بی‌اهتمامی‌ها، نرسیدن‌ها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آنهاست.

منکرات جامعه

منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می شود از آنها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله اینهاست: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان. ما این همه ضایعات نان داریم؛ اصلاً این یک منکر است؛ یک منکر دینی است؛ یک منکر اقتصادی و اجتماعی است؛ نهی از این منکر هم لازم است.

منکرات اینهاست

امروز دست‌هایی تلاش می‌کنند تا فساد را به صورت نامحسوس نه آن طوری که شما در خیابان آن را ببینید و بفهمید و مشاهده کنید به شکل‌های گروهکی، ترویج کنند و جوانان را به فساد بکشانند؛ پسرها را به فساد بکشانند؛ مردم را به بی‌اعتنایی بکشانند. منکرات این‌هاست؛ منکرات اخلاقی، منکرات سیاسی، منکرات اقتصادی.

امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه‌ها

برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزء اعمال خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هرکسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید به او بگویید و از او بخواهید، امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست؛ این جزء دهم است. نهی از منکر در همه‌ی زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوءاستفاده‌ی از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکتها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقتها از سوی مسئولان.

فصل ششم: وظیفه مردم

اشاره

وظیفه کسانی که امام حسین(ع) را الگو می‌دانند

باید با پنجاه‌افکنی و ناخن‌کشی و حيله‌گری دشمن مقابله کنیم. حرکت و تلاش لازم است؛ هم در جبهه‌ی خودسازی، این مقدم بر همه است؛ مثل امام حسین(ع) که آقا و مولای شماست؛ هم در جبهه‌ی سیاسی که آن امر به معروف و حرکت و حضور سیاسی است و در جایی که لازم است، بیان مواضع و تبیین سیاسی در مقابل دنیای استکبار؛ هم در جبهه‌ی فرهنگی، یعنی آدم‌سازی، خودسازی، خودسازی فکری و اشاعه‌ی فکر و فرهنگ. این‌ها وظیفه همه‌ی کسانی است که امام حسین(ع) را الگو می‌دانند.

گفتن به زبان بر همه واجب است

امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد. مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و با زور. این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجازه‌ی حکومت انجام بگیرد و لا غیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

نهی از منکر زبانی واجب و وظیفه همه مردم در همه شرایط

البته این هیچ مجوز آن نیست که کسانی به بهانه‌ی اینکه اطمینانشان سلب شده، قانون شکنی کنند. قانون شکنی جرم است. تخلف از قانون و خروج از مدار قانونی برای مقابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می‌آید- بدون اجازه‌ی حکومت- خودش یک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی، که بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه‌ی همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ اما آنجایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. هیچ چیزی مجوز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه‌ی قضائیه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آن‌ها خواهد گفت. همه جا، جای نهی از منکر است

همه جا، جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم، در محیط درس می‌تواند نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم، در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم، در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند. یک هنرمند هم، با وسایل هنری خود، می‌تواند نهی از منکر کند. روحانیون در محیط‌های مختلف، یکی از مهم‌ترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند. نمی‌شود این واجب بزرگ الهی را در دایره‌های کوچک، محدود کرد. کار هم کار همه است. این‌طور نیست که مخصوص عده خاصی باشد. البته هر کس وظیفه‌ای دارد.

خود مردم باید وارد شوند، خود مردم باید نهی کنند

بعضی از مردم به اینجا تلفن زدند، نامه نوشتند و سفارش کردند که «آقا! شما گفتید نهی از منکر. سیل پشتیبانی‌ها هم انجام گرفت. اما عملاً کاری نشد!» عملاً چه کار می‌خواستید بشود؟ مگر لازم است که اینجا هم دولت وارد شود یا دستگاه قضایی مستقیماً وارد شود؟ خود مردم باید وارد شوند. خود مردم باید نهی کنند. البته دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضایی و نیروی انتظامی، موظفند که ناهی از منکر را پشتیبانی کنند. این، وظیفه‌ی آن‌هاست. مباشر کار، خود مردم می‌توانند باشند و باید باشند. بخش عمده‌ی قضیه، اینجاست. جوان رزمنده، خانواده‌ی شهید داده، خانواده‌ی ایثارگر، خانواده‌ی اهل انفاق، مؤمنین نماز خوان و روزه بگیر و مسجد برو، دلسوزان انقلاب، روشن فکران علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی و انقلابی؛ همه‌ی این‌ها باید در صحنه باشند.

منتظر نباشید که دستگاه‌ها بیایند و کاری بکنند

در مقابل این منکرات، عامل بازدارنده، نهی است؛ نهی از منکر. بگویید: «آقا، نکن.» این تکرار «نکن» برای طرف مقابل، شکننده است. این نکته‌ی اول؛ که نهی از منکر، اراده و تصمیم و قدرت و شجاعت لازم دارد، که بحمد الله، در قشرهای مردم ما و در زن و مرد ما وجود دارد. باید آن را به کار بگیرید. منتظر نباشید که دستگاه‌ها بیایند و کاری بکنند.

پس مسؤولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!

عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید! یکی از عوامل بقا، همین عاشورا است. یکی از عوامل بقا، امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است که در جامعه، فساد به وجود می‌آید. هیچ اجتماع بشری نیست که در آن، فساد به وجود نیاید. این فساد، چگونه باید برطرف شود؟ بعضی کسان تا چشمشان به مظاهر فساد می‌افتد، می‌گویند «پس مسؤولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!» غالباً فساد را که به چشم می‌بینند فریاد برمی‌آورند و سراغ از مسؤولین می‌گیرند. اما آن فساد را که به چشم دیده می‌شود، خیلی کوچک‌تر از فسادهایی است که با چشم ظاهری در کوچه و بازار و خیابان نمی‌شود دید. کسانی که واردند، می‌دانند و می‌فهمند که فسادهای کلان، اغلب از دیده‌ها پنهان است. لذا محیط جامعه باید به گونه‌ای باشد که اگر در آن فساد پدیدار شد، فرصت رشد پیدا نکند و زود از بین برود. مثل جریانهای عظیم آب. رودخانه‌های عظیم دنیا را مشاهده می‌کنید؟ هرچه در این رودخانه‌ها آلودگی و کثافت بریزند، کمی آن طرف‌تر، تلاطم آب، سر به سنگ کوبیدن آب و حرکت آب، مواد مضر را از بین می‌برد و در عوض، مواد حیاتی تولید می‌کند. محیط جامعه، باید این‌گونه باشد. باید چنان زلال باشد که اگر کسی قطره‌ی فساد را هم در آن چکاند، خود جامعه، آن را هضم کند و از بین ببرد. چگونه امکان‌پذیر است؟ با امر به معروف، با نهی از منکر و با دعوت به خیر.

مهم‌ترین وظیفه

باید خطر را بشناسیم. باید نقاطی را که خطر، از آن نقاط جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، درست بشناسیم. آن عبرت‌های قضایای صدر اسلام را برای مردم و برای خودمان، باز کنیم. مهم‌ترین وظیفه‌ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این است که نیروهای مؤمن و آمر به معروف و ناهی از منکر و آن‌هایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند، باید در صحنه باشند. همه جا باید حضور داشته باشند. حزب‌اللهی بودن، یعنی آماده کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است.

بسیجی باید در وسط میدان باشد

امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه‌ی ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه‌ای که در بسیجی‌هاست. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت‌های اصلی انقلاب زنده بماند.

چه وقت آحاد یک ملت آمر به معروف و ناهی از منکر می‌شوند؟

امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم. آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت آمر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است.

حضور برجسته عناصر حزب الهی

مبادا گمان شود که حزب الهی، یعنی جوان پرسروصدا و پرهیاهویی که نه سواد درستی دارد، نه معلومات درستی! این طور نیست. در میان متخصصین ما، در میان برگزیدگان ما، در میان مدیران ما، در میان علما و اساتید ما، انسانهای حزب الهی، زیادند. مفهوم حزب الهی را در ذهن خودمان، غلط تصور نکنیم. در محیط‌های مختلف، حضور عناصر حزب الهی، باید حضور برجسته‌ای باشد. دستگاه‌های اجرایی، اعم از دستگاه‌های قضائی یا دستگاه‌های دولتی، باید به طور عملی، این ارزش را در مأموران و کارگزاران خودشان، مورد توجه قرار دهند. یک دستگاه اداری سالم، چه وقت می‌تواند کارایی بیشتری داشته باشد؟ وقتی که عناصر مؤمن، عناصر خالص، عناصری که به معنای حقیقی کلمه حزب الهی هستند، در آنجا مؤثر باشند.

جایگاه قشرهای مختلف در امر به معروف و نهی از منکر

من در پیام تشکری که منتشر شد، عرض کردم: قشرهای مختلف، باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر، پیدا کنند. هرکس جایگاهی دارد. کجا باید نهی از منکر کنید؟ شما در مقابل کدام منکر می‌توانید مقاومت کنید و بایستید؟ کدام را می‌شناسید؟ کار، کار مردمی است. البته، علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند؛ کیفیت نهی از منکر را بیان کنند و منکر را برای آن‌ها شرح دهند.

وظیفه زنان

اسلام وقتی که می گوید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»، یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثناء کنیم. مسؤولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هرکدامی به نحوی برحسب توانائی‌های خودشان. ... مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهم‌تر است؛

مفاهیم و تعالیم اسلامی را در فضای محیط کار، احیا کنید

زبان گویا، یعنی اینکه مفاهیم و تعالیم اسلامی را در فضای محیط کار، احیا کنید. طوری شود که در محیط کار، اسلام حس شود. نه مثل دوران طاغوت که انسان وقتی به داخل محیطی می‌رفت، احساس می‌کرد در آن محیط، همه چیز ضد اسلام است. به یک مسلمان و به یک آدم متدین که می‌رسیدند، نگاهها از روی بغض، از روی سردی و از روی بی‌اعتنایی بود. رفتار زنان؛ پوشش زنان؛ برخورد مردان؛ جلف‌گری‌هایی که گاهی بعضی از مردان و زنان می‌کردند؛ همه چیز غیر اسلامی بود. نقطه‌ی مقابل آن، فضای اسلامی است؛ به نحوی که وقتی انسان وارد اداره‌ی می‌شود، نگاه کند ببیند آثار اسلام همه جا پیدا است. وقت ظهر می‌شود، مردم می‌روند نماز. مراجع که می‌آید، با او با چهره‌ی بشاش برخورد می‌کنند؛ کارش را انجام می‌دهند و حدود اسلامی را رعایت می‌کنند. زنان با پوشش مناسب می‌آیند. مردان و زنان ارتباطات و برخوردشان در داخل اداره، متین و محترمانه است. این محیط، اسلامی است. شما باید کاری کنید که محیط، این‌گونه شود

با عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کنند، مقابله کنید

با عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کنند، مقابله کنید. با گفتار، با سخنرانی، با پخش جزوات مناسب، با تذکرات بجا، با امر به معروف و نهی از منکر؛ که وظیفه‌ی شما در داخل محیط کارهایتان و در همه‌ی جاهاست. با این روشها، کاری کنید که فضا، فضای اسلامی شود. یعنی هرکس وارد این اداره شد، وارد این شرکت دولتی شد، وارد این کارخانه شد، احساس کند اینجا جای مسلمانان است، و محیط، اسلامی است. این وظیفه‌ی عمده‌ی شماست و همه موظفند در این وظیفه به شما کمک کنند. همه‌ی تشکیلات؛ بخصوص مدیریتی که شما با او کار می‌کنید، موظفند در این راه به شما کمک کنند و کارهای شما را تسهیل نمایند. امروز، ملتهای مسلمان، از جهت تحقق و پیاده کردن اسلام، چشمشان به ملت ماست. امیدشان به اینجاست. می‌بینید در دنیا مسلمانان چطور امیدوارانه مبارزه می‌کنند؟

رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات

من بخصوص تأکید می‌کنم، نسبت به رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات. بعضی شکوه دارند؛ گله دارند. خانواده‌های شهدا و زنان مؤمن به ما شکایت می‌کنند. به اینجا تلفن می‌کنند، نامه می‌نویسند، یا ما را که می‌بینند، مکرر می‌گویند که رفتار بعضی از زنان جامعه‌ی ما، رفتار مناسب و شایسته‌ی شأن زن مسلمان نیست. با اصلاح این زنانی که در ادارات مشغول کارند، بخش عمده‌ای از این موضوع، اصلاح می‌شود. این بانوان مسلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباسشان، زیشان و منششان مسلمانی باشد؛ و شما در این زمینه تکلیف و مسؤولیت دارید. البته با روش اسلامی؛ با همان شیوه‌ای که نهی از منکر اسلامی دارد و نه با روشهای غیر اسلامی و خشونت‌های نادرست.

دو تا فحش هم به خاطر خدا بخورید

من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعاً یکی از معجزات اسلام می‌دانم. مثلاً یک نفر کار خلافی می‌کند، می‌گویند آقا شما این کار را نباید می‌کردی. این مطلب را بگو و برو. می‌گوید او برمی‌گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خوب؛ حالا دو تا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمل کنید. اگر نفر دوم هم بگوید آقا شما باید این کار را نمی‌کردی؛ بدانید اگر دعوا هم بکند، دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اول کرده است. نفر سوم و نفر دهم و نفر بیستم هم همین‌طور. بنابراین، اگر نهی از منکر باب شد و تا نفر بیستم رسید، شما خیال می‌کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟

چرا از گفتن ابا می‌کنید؟

چرا کسانی از گفتن ابا می‌کنند؟ یک عده بر اثر ضعف نفس از گفتن ابا می‌کنند، یک عده هم خیال می‌کنند که گفتن فایده‌ای ندارد؛ باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهم‌تر است.

ضعف نفس، خجالت و ترس

بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. اینکه یک نفر بگوید اما ده نفر ساکت بنشینند و تماشا کنند، نمی‌شود. اگر یکی دچار ضعف نفس بشود، یکی خجالت بکشد و یکی بترسد، اینکه نهی از منکر نخواهد شد.

مهمترین حوزه

البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگون دارد که باز مهم‌ترینش حوزه‌ی مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آن‌ها بخواهند. این مهم‌ترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.

ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند

مسلمانان خصوصیتی دارند که می‌توانند اراده‌ی خود را در حرکت عالم مؤثر کنند. به خاطر چه؟ به خاطر احکام نورانی اسلام؛ بلکه به خاطر روحیات و خلقیاتی که اسلام به مسلمانان می‌دهد؛ مثل ظلم‌ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد، مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل الله، که جهاد فی سبیل الله میدان گسترده و عرض عریضی دارد و مخصوص صحنه‌ی نبرد رویاروی جسمانی نیست، بلکه جهاد داخل خانه‌ها هم ممکن است و همه جا انسان می‌تواند با دشمن خدا جهاد کند؛ اگر اراده داشته باشد و اگر بداند باید چه کار کند. این، مجموعه‌ی احکام اسلامی است. این، جهاد و امر به معروف و عدم کنار آمدن با بدی و فساد و تحمل نکردن ظلم است: «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ». مجموع این احکام و معارف موجب شده است مسلمان به طور طبیعی در هر جای دنیا که هست - چه به صورت یک ملت و چه از یک ملت کوچک‌تر، تا یک فرد - به برکت این احکام قادر باشد اراده‌ی خود را در اداره‌ی جهان و محیط خودش مؤثر سازد. این، خصوصیت مسلمان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی ناراحتند. ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند. روزی که اروپایی‌ها سوار کشتی‌ها شدند و آمدند کشورهای منطقه‌ی آسیا و آفریقا و خاورمیانه و بقیه‌ی جاها را تصرف کردند، از این روحیه‌ی مسلمانان می‌ترسیدند. برای اینکه مسلمان بی‌خطر شود، دو کار باید با او بکنند: یکی اینکه او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم اینکه روحیه‌ی او را بشکنند و تحقیرش کنند.

فراموش نکنید

دشمنان می‌خواهند بین دولت و ملت و مسؤولین و آحاد مردم، جدایی ایجاد کنند. باید در جهت عکس آن حرکت کرد. آنان می‌خواهند که مردم از اسلام و هدف‌های انقلاب، فاصله بگیرند. پس، این چیزی است که به ضرر ملت ماست و باید این فاصله را کم کنند و هرچه بیشتر در جهت اسلام و انقلاب حرکت کنند. بر همین اساس، من تأکید می‌کنم که جوانان عزیز و مؤمن، آحاد مردم زن و مرد مسلمان امر به معروف و نهی از منکر را که دو فریضه‌ی الهی و جزو ارزشهایی است که می‌تواند در این جهت، برای ملت ما وسیله‌ی بسیار مفید و مؤثر و پیش‌برنده‌ای باشد، فراموش نکنند.

فصل هفتم: وظیفه مسؤولان

به کار بستن امر به معروف و نهی از منکر در ادارات

امروز باید جلوه‌های درخشان تحول بزرگ کشور و مردم ما به وضوح در هر گوشه نظام اداری مشهود و عیان گردد و با به کار بستن امر به معروف و نهی از منکر، شیوه‌ها و رفتارهای درخور تحسین و تشویق رواج یابد و ضمناً با خطا کاران، سهل انگاران و اقدام کنندگان علیه منافع نظام جمهوری اسلامی و حقوق مردم، صریح و قاطع برخورد شود. حساسیت و سنگینی مسؤولیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نیز در تشخیص درست همین موازین و اجرای دقیق آن‌ها نهفته است.

نظام اسلامی پشتیبان ناهی از منکر

روزی بود که اگر کسی کار خلافی مرتکب می‌شد و دیگری به او اعتراض می‌کرد، نظام حاکم آن اعتراض را می‌کوبید. ما دیده بودیم که اگر گناهی انجام می‌گرفت، گناهکار تشویق می‌گردید؛ اما معترض به گناه کوبیده می‌شد! امروز، به عکس است. امروز، نه اینکه گناه در جامعه نیست؛ هست. زمان حکومت امیرالمؤمنین (ع) هم در جامعه گناه بود؛ اما مهم این است که نظام و تشکیلات حاکم بر جامعه - آن کسانی که اداره و مدیریت کشور را بر عهده دارند - میل به طرف صلاح دارند و با گناه و تخلف مخالفند.

مامورین رسمی باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند

به من نامه می‌نویسند؛ بعضی هم تلفن می‌کنند و می‌گویند: «ما نهی از منکر می‌کنیم. اما مأمورین رسمی، طرف ما را نمی‌گیرند. طرف مقابل را می‌گیرند!» من عرض می‌کنم که مأمورین رسمی چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضائی حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند. همه‌ی دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع کند. این، وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نمازگزار حمله کند، دستگاه‌های ما از کدامیک باید دفاع کنند؟ از نمازگزار یا از آن کسی که سجاده را از زیر پای نمازگزار می‌کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر نیز همین‌طور است. امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. ... مگر مأمورین و مسؤولین ما می‌توانند آمر به معروف و ناهی از منکر را با دیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به اینکه نقطه‌ی مقابل او را تأیید کنند!؟

پشتیبانی از ناهی از منکر

دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضائی و نیروی انتظامی، موظفند که ناهی از منکر را پشتیبانی کنند. این، وظیفه‌ی آنهاست.

زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار کنیم

ما به آحاد ملت عزیز عرض کردیم؛ و گفتیم امر به معروف و نهی از منکر، این واجب الهی را برپا بدارید. در بین جوانان در سرتاسر کشور، شور و غوغایی به وجود آمد. پس، پیداست که این جوانان متمایل به امر به معروف و نهی از منکرند. بنابراین، وظیفه‌ی ما، مسؤولین، قانون‌گذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. امروز بحمد الله مجلس شورای اسلامی، مجریان، مسؤولین کشور و دستگاه قضائی، همه از خود این ملتند.

مبادا کسانی باشند که راه را جلو امر به معروف و ناهی از منکر سد کنند!

مبادا در گوشه و کنار، یا در دستگاه انتظامی یا قضائی، کسانی باشند که راه را جلو امر به معروف و ناهی از منکر سد کنند! مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند! البته خبرهایی از گوشه و کنار کشور، در بعضی از موارد به گوش من می‌رسد. هر جا که بدانم و احساس کنم و خبر اطمینان‌بخشی پیدا کنم که امر به معروف و ناهی از منکر، خدای نکرده مورد جفای مأمور و مسؤولی قرار گرفته، خودم وارد قضیه خواهم شد.

فصل هشتم: هشدارها

اسلامی که پیغمبر نیاورد

دشمن می‌خواهد آن روح اسلامی، آن احکام زنده اسلام و آن نیروی حیاتی اسلام در میان مسلمانان نباشد. البته آن‌ها با یک عده مسلمان مرده بی‌اطلاع از مبانی عالیه اسلام، و لو عامل به ظواهر مختصری از اسلام هم باشند، چندان کاری ندارند؛ دشمنی هم با آن ندارند. اما اینکه اسلام نیست! اسلامی اسلام است که پیغمبر آورد و قرآن فرمود که «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ اتَّبِعُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ...» آن اسلام نیست که عده‌ای بنشینند و تماشاگر حوادث عالم، یا تماشاگر مسائل درون جامعه خودشان باشند. مسلمانان بیدار، مسلمانان آگاه، مسلمانانی که نیروی خودشان را برای بنای عالم، به شکل صحیح به کار می‌گیرند و مسلمانانی که از هیچ مانعی نمی‌ترسند؛ این اسلام و این‌گونه مسلمانان مورد حداکثر بغض استکبار جهانی‌اند. این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است.

جوامع جوان، مراکز هدف دشمن

امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید در جوامع جوان چه در مدرسه‌ها، و چه در دانشگاه‌ها کار به فساد بکشد. این مراکز برای دشمن هدف است. بدانید که نسل جوان این جامعه و این ایران اسلامی زنده است؛ دشمن هم این را بداند. با بودن شما جوانان مؤمن، حجت بر ما تمام است.

وَاعِظْ مِنْ نَفْسِهِ

اساس برنامه‌ی تربیتی و همه‌ی برنامه‌های زندگی در اسلام، همین موارد است. هرکس باید واعظ خود باشد، خود را مراقبت کند، از تخطی خود مانع شود، امر به معروف و نهی از منکر هم بکند که آن امر خود به معروف و نهی خود از منکر و موعظه کردن خود، بر امر و نهی و موعظه‌ی دیگران مقدم است. این، همان تقوای الهی است که از ما خواسته‌اند. تقوا را مراقبت کنیم و به یکدیگر توصیه نماییم. نمی‌گوییم خودمان که کاملاً اصلاح شدیم، بعد به اصلاح مردم بپردازیم

باید درون خودمان را اصلاح کنیم. اصلاح دائمی جزو وظائف دائمی ماست. درون را چه جوری اصلاح کنیم؟ اول از خودمان شروع کنیم. بنده، شخص حقیرِ مذنبِ عاصی از خودم شروع کنم. دیگران هم همین جور. اول رابطه‌ی خودمان را با خدای متعال درست کنیم، اصلاح کنیم و به آنچه که خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد، بیندیشیم: «وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ». این، از جمله‌ی چیزهایی است که باید دائم در ذهن ما باشد. نمی‌گوییم خودمان که کاملاً اصلاح شدیم، بعد به اصلاح مردم بپردازیم - که حالا ممکن است این به این آسانی‌ها هم به دست نیاید - وقتی شروع به اصلاح خود کردیم، آن وقت اصلاح جامعه هم برای ما آسان خواهد شد. و او - اصلاح جامعه - آسان‌تر از اصلاح نفس است.

عدم دل بستگی به دنیا مقدمه دفاع از فضیلت‌ها

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی»، یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند» الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید.

وظیفه‌ی اول، حفظ نظام است

البته تحقق آرزوهای اسلامی، کار ده سال و بیست سال نیست؛ تحقق آرزوهای اسلامی، کار بلندمدت است و باید به تدریج انجام بگیرد و همه‌ی عوامل دست به دست هم بدهند. معلوم است که آرزوهای اسلامی در مدت کوتاه تحقق پیدا نمی‌کند؛ معلوم است که در اینجا و آنجا تخلفی پیدا می‌شود؛ معلوم است که همه‌ی دستگاه‌ها هنوز با نوای اسلامی حرکت نمی‌کنند؛ در این تردیدی نیست؛ غیر از این هم انتظاری نیست. اگر شما به صدر اسلام هم نگاه کنید، می‌بینید حتی زمانی که نَفَسِ مطهر پیامبر(ص) هم به مردم می‌خورد، این‌طور نبود که همه‌ی مردم یک‌سببه مسلمان بشوند و همه‌ی کارها در مدت کوتاهی اصلاح بشود. اصلاح کلی و عمومی، حرکت بلندمدت لازم دارد، که آن هم به عهده‌ی همه است؛ و از جمله‌ی این همه، ما معلمان و روحانیون هستیم که بیشترین تکلیف به عهده‌ی ماست. پس وظیفه‌ی اول، حفظ نظام است. هیچ‌کس نمی‌تواند به اتکای اینکه فلان‌جا فلان تخلف شده، حرکتی انجام بدهد یا حرفی بزند که این نظام اسلامی را تضعیف کند. البته برای اصلاح مفاسد، همه باید از طرق معقول خودش کار کنند. امر به معروف و نهی از منکر یک واجب اسلامی است و باید در میان مردم رایج بشود.

جوان حزب اللهی باید باهوش باشد

البته جوان حزب اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشم‌هایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر، فساد ایجاد نماید که چهره‌ی حزب الله را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده‌ی خودتان است. من یقین دارم و تجربه‌های این چند سال هم نشان داده تا نیروهای مؤمن و حزب اللهی برای انجام کاری به میدان می‌آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، با نام این‌ها در گوشه‌ای فساد ایجاد می‌کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب اللهی و مردمی چرکین کنند. مواظب باشید.

دایره امر به معروف و نهی از منکر

اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی، زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می‌کند سمپاشی کردن؛ که در ایران بناست از این به بعد، نسبت به زن‌های بدحجاب، این‌طور عمل شود! این واجب به این عظمت را، که قوام همه چیز به آن است، بیاورند در دایره‌ای محدود، در خیابانهای تهران؛ آن هم نسبت به چند نفر زنی که وضع حجابشان مثلاً درست نیست. این است معنای امر به معروف؟! این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه‌های گوناگون جامعه؟! قضیه، بالاتر از این حرف‌هاست.

شکل کامل و جامع امر به معروف

اینجا یک کلمه درباره امر به معروف و نهی از منکر و در تفسیر این دو کلمه بگویم. ای برادران و خواهران مسلمان! امر به معروف فقط آن نیست که تو به زبان و خودت به تنهایی به کسی بگویی نکن! اینیک نمونه کوچک از نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر در شکل کامل و جامعش عبارت است از اینکه جامعه اسلامی کمر به ریشه کن ساختن بدی‌ها ببندد. کمر به برقراری خوبی‌ها و نیکی‌ها و فضیلت‌ها ببندد و امروز همه بدی‌های ما خلاصه می‌شود در باقیمانده‌های اسارت فکری و مادی ما در دست قدرت‌های بزرگ. باید همه ملت یکپارچه، همه دست به دست هم داده، یک صدا و یک گام حرکت کنند تا این وابستگی‌هایی را که هنوز ما به فرهنگ غلط گذشته داریم ببریم و بگسلیم و کوشش کنیم که ندا و پیام انسانی خود را به همه جا بگسترانیم.

طرد نکردن دیگران به بهانه عیوبشان

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ يَوْمًا: «لَا تَطْعُنُوا فِي عِيُوبِ مَنْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ بِمَوَدَّةٍ» یک کسی است، با شما اظهار دوستی می‌کند، به سمت شما می‌آید و اظهار علاقه‌ای به شما می‌کند. دست رد به سینه او نزنید با ذکر عیوبی که شما در او مشاهده می‌کنید. این خیلی دستور مهم و بزرگ و عمومی‌ای است. یک کسی می‌آید پیش ما اظهار علاقه به ما می‌کند، ما فوراً برویم سراغ آن اشکالاتی که در او وجود دارد و روی آنها تکیه کنیم و طعن بر آنها بزنیم. می‌فرمایند مضمون این حدیث این است که محبت کسی را که به شما اظهار محبت می‌کند قبول کنید، محبت او را بپذیرد. ولو حالا یک عیبی هم در او سراغ دارید، لزومی ندارد که طعن در آن عیب بکنید و این را موجب این قرار دهید که دست رد به سینه او بزنید.

«وَلَا تُوقِفُوهُ عَلَى سَيِّئَةٍ يَخْضَعُ لَهَا» اگر کار خلافی دارد، گناهی دارد، عیبی دارد، لازم نیست او را به خاطر این عیب طرد کنید، رد کنید، متوقف کنید. یعنی جلوی او را بگیرید. با نهی از منکر منافاتی ندارد. منافاتی ندارد با «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أهدَى إِلَيَّ عِيُوبِي». با این منافاتی ندارد. لکن رشته پیوند محبت را حفظ کنید. بعد البته انسان برای نهی از منکر یا برای اهدای عیوب دوستش و مرآه بودن برای مؤمن فرصت‌هایی دارد و می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده کند و این کار را انجام دهد. اما این جور نباشد که به مجرد اینکه یک ایرادی را در او سراغ دارید، یک عیبی را در او سراغ دارید، این موجب بشود که شما محبت او را و خود او را طرد کنید و قبول نکنید. اینیکی از آن شاهبیت‌های برخورد در روابط اجتماعی است. بعد فرمود: «فَاتَّهَاتُ لَيْسَتْ مِنْ أَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ لَا مِنْ أَخْلَاقِ أَوْلِيَائِهِ» این جزو اخلاق و رفتار پیغمبر و اولیانش نیست. یعنی آن‌ها کسانی را که می‌آمدند سراغشان، عیوبی هم داشتند، اشکالاتی داشتند، دست رد به سینه آنها نمی‌زدند. جذبشان می‌کردند. نگهشان می‌داشتند. البته در اصلاح آن‌ها هم می‌کوشیدند، امر به معروف هم می‌کردند، نهی از منکر هم می‌کردند. اینیک قاعده کلی است که به اندک بهانه‌ای افرادی را طرد کردن و رد کردن و آن‌ها را از مرز دوستی خود خارج کردن، این مخالف با آن چیزی است که در این حدیث به ما دستور داده شده.

مواظب باشید کسانی از این واجب الهی، سوءاستفاده نکنند

مواظب باشید کسانی از این واجب الهی، سوءاستفاده نکنند. حساب صاف کردنها، به خرده حسابهای گذشته رسیدن، پرده‌داری، آبروریزی، تعرض به نوامیس و عرض و مال این و آن به بهانه‌ی این واجب الهی، این‌ها نباید باشد. مردم باید هوشیار باشند. مردم همواره و در همه‌ی قضایا تیزهوشند. تیزهوشی مردم است که خیلی از اوقات دستگاه‌ها را متوجه قضایای گوناگون می‌کند. در همین قضایای رذالتها و مودی‌گریهای ضد انقلاب و گروهکها از روز اول تا امروز، غالباً مردم بودند که کمک کردند، مباشرت کردند، تیزبینی کردند، دقت به خرج دادند، چیزی را دیدند و اقدامی را انجام دادند و مسؤولین را هم هدایت کردند. اینجا نیز همان‌طور است. خود مردم، با تیزهوشی نباید بگذارند این واجب الهی و این فریضه‌ی بزرگ زمین بماند، یا خدای ناکرده مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

امر به معروف، خوب است، اما

بحمد الله ملت ما بر دشمنانش فائق آمده است. ملت ما تا امروز، زبون دشمن نشده است؛ لیکن به‌رحال دشمنی، اثر دارد. با این دشمنیها، کدام کشور است که هیچ مشکلی نداشته باشد؟ نباید مشکلات را بزرگ کرد. نباید در زمینه‌های گوناگون، درشت‌نمایی کرد. البته تذکر، خوب است؛ امر به معروف، خوب است؛ نصیحت، خوب است؛ اما با خیرخواهی، با روش عقلایی، بدون اینکه موجب تضعیف یک مجموعه‌ی خدمتگزار شود.

امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه‌ها

در مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، فقط نهی از منکر نیست؛ امر به معروف و کارهای نیک هم هست. برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزء اعمال خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هرکسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید به او بگویید و از او بخواهید، امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست؛ این جزء دهم است.

نهی از منکر در همه‌ی زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوءاستفاده‌ی از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکتها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقتها از سوی مسؤولان.

تفاوت افشا کردن بدی و نهی از منکر

« وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ »؛ درباره‌ی اشخاص، نقاط مثبت را، نقاط خوب را افشاء کنیم، منتشر کنیم. از کسی، از مسؤولی کار خوبی سراغ دارید، این را بیان کنید و بگوئید. نقطه‌ی مقابل: اگر چنانچه نقطه‌ی منفی‌ای سراغ دارید، این را افشاء نکنید. افشاء نکردن معنایش این نیست که نهی از منکر نکنید؛ چرا، به خود آن کسی که به کارش اشکالی وارد است و باید ایراد گرفته شود، گفته بشود؛ اما افشاء کردن این چیزها مصلحت نیست.

گناه نابخشودنی

دیگر آنکه در نظام اسلامی، اگرچه رسم و سنت انتقاد و نصیحت مشفقانه به مسؤولین، یکی از مواهب الهی و مفاخر اسلامی و مایه‌ی رشد و ارتقاء و پیشرفت امور و مصداق بارز فریضه‌ی امر به معروف است و باید در جامعه بماند و توسعه و کیفیت بیابد، ولی مخلوط کردن این کار مستحسن و لازم با اشاعه‌ی روحیه‌ی بدبینی و سوءظن به کارگزاران اصلی کشور و بدگویی از آنان که به تضعیف روحیه، یا تضعیف جایگاه آنان بینجامد، خطایی بزرگ و خیانت‌آمیز خواهد بود. اگر کسانی با گفتن و نوشتن یا رفتار متعمدانه‌ی خود، بذر شک و تردید نسبت به مسؤولان بلندپایه‌ی کشور را در دلها بیفشاندند و فضا و افق را تیره و یأس آور جلوه دهند، با هیچ توجیه و بیانی نمی‌توان آن‌ها را خدمتگزار و خیرخواه به حساب آورد. این کار در کشور ما که از نظامی اسلامی و انقلابی، و مسؤولانی کاملاً مردمی، و ملتی با اخلاص و فداکار، و صمیمیتی بی‌نظیر میان مردم و مسؤولان، و استعداد و ظرفیتی درخشان برای کار و پیشرفت، و حیثیتی برجسته در جهان و میان ملت‌های عالم برخوردار است، بی‌شک ضربه به آینده‌ی کشور و خیانت به آرمان‌های انقلاب محسوب می‌شود و گناهی نابخشودنی است.

ناسپاسی

شما دوستان ارجمند که اکنون همت به ترویج این فریضه گماشته‌اید، کار بزرگ خود را چنان که شایسته‌ی این فریضه است، پاس بدارید و با همه‌جانبه‌نگری در این کار، زبان بدگویان و ذهن بی‌خبران را از فروافتادن در ورطه‌ی ناسپاسی از این عمل اصلاحی بزرگ، نجات بخشید.

پشتوانه‌ی واجبات پرخطر

نماز است که مایه‌های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه‌ی حتمی واجبات پرخطر و دشوار همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می‌آورد و او را شجاعانه بدان میدان‌ها گسیل می‌دارد. هنگامی که به خاطر

هجوم دشمن، فریضه‌ی جهاد اهمیت می‌یابد، یا بر اثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه‌ی زکات و انفاق، همه را مخاطب می‌سازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه‌ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی می‌شود، در همه‌ی این شرائط، نماز، نه فقط از شأن «خیرالعملی» فرونمی‌افتد، بلکه به مثابه‌ی پشتوانه‌ی روحی و معنوی همه‌ی مجاهدتها و ایثارها و خطرپذیری‌ها، بر اهمیت آن افزوده می‌شود.

فصل نهم: احکام واستفتائات

اشاره

در این قسمت، بخشی از احکام و استفتائات مبتلا به امر به معروف و نهی از منکر آورده شده است. فلذا برای دسترسی به تمامی احکام، مقلدین مقام معظم رهبری «دام ظلّه» می‌توانند به کتب أجوبه الاستفتائات، استفتائات جدید و رساله آموزشی مراجعه کنند؛ و در مسائلی که علم به اختلاف فتوا ندارند، می‌توانند به رساله حضرت امام «قدس سره» مراجعه نموده یا به صورت کتبی یا شفاهی و یا از طریق اینترنت از دفتر مقام معظم رهبری «دام ظلّه» استفتا نمایند.

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می‌رود و افرادی که این فریضه بزرگ الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی‌تفاوتند گناه کار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌آید. (رساله آموزشی، ج 1، ص 329)

بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد، تا مبدا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۷۴)

آداب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و ناهی از منکر سزاوار است که در امر و نهی و مراتب آن چون طبییی باشد که با مهربانی بیمار خود را معالجه می‌کند و چون پدری دلسوز باشد که همواره مصلحت فرزندش را رعایت می‌کند و نهییش لطف و رحمتی خاص برای گناه کار و لطف و رحمتی عام برای مردم باشد و نیت خود را برای رضای خدای عزوجل خالص کند و این کار خود را

از شائبه‌های هوای نفس و اظهار علو پاک کند و خود را شخصی منزّه و برتر از گناه‌کار نبیند. چه بسا گناه‌کار، حتی اگر گناهِش از گناهان بزرگ باشد، صفات نفسانی‌ای داشته باشد که خدای تعالی او را به واسطه آن صفات دوست می‌دارد، هرچند که از عمل او خشمگین است و چه بسا خود آمر به معروف و ناهی از منکر برعکس این است (یعنی در باطن دلش صفات بسیار نکوهیده‌ای دارد که مورد خشم خدا است) و اگر چه خودش خبر نداشته باشد. (تحریر الوسيله امام خمینی (ره)، مسأله 14)

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

علم به معروف و منکر

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، علم به معروف و منکر است. یعنی امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه نباید چنین کاری بکند؛ زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به منکر و نهی از معروف کند. بنابراین نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی‌ای که گوش می‌دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال)، واجب بلکه جایز نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۷)

اگر مسأله مورد اختلاف نباشد و احتمال دهد که مرتکب جاهل به حکم است، ظاهراً امر به معروف و نهی از منکر او واجب است، مخصوصاً اگر او جاهل مقصر باشد. و نزدیکتر به احتیاط آنست که اول او را به حکم مسئله ارشاد کند سپس اگر باز هم ادامه می‌دهد آن وقت او را امر و نهی کند، مخصوصاً اگر او جاهل قاصر باشد. (تحریر الوسيله امام خمینی، شرط اول مسأله 3)

اگر فاعل، جاهل به موضوع باشد، امر و نهی و بر طرف کردن جاهل او واجب نیست. (تحریر الوسيله امام خمینی، شرط اول مسأله 4)

احتمال تأثیر

شرط دوم امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است. یعنی امر و نهی کننده باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه‌ای ولو در آینده دارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌ها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. (1377/02/22/جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران)

اگر بداند که امر به معروفش و یا نهی از منکرش نسبت به طرف که معروف را ترک کرده و یا منکر را مرتکب شده هیچ اثری ندارد، ولی نسبت به شخص دیگری که او نیز انجام داده اثر می‌گذارد به شرطی که خطاب را متوجه شخص او نکند بلکه متوجه مرتکب اول کند، واجب است به منظور تأثیر در دیگری، شخص مرتکب و یا تارک معروف اول را نهی از منکر و یا امر به معروف کند. (تحریر الوسيله امام خمینی، شرط دوم مسأله 9)

اگر بداند که فلان شخص معین امر و نهییش در طرف مؤثر است نه امر و نهی خودش، واجب است به آن شخص امر کند که او طرف را امر به معروف و نهی از منکر کند، البته در صورتی که بداند که وی با وجود شرائط تکلیف اهماال کرده است. (تحریر الوسيله امام خمینی، شرط دوم مسأله 10)

اصرار بر گناه

شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر، اصرار بر گناه است. یعنی باید شخص گناهکار براستمرار گناه اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون اینکه امر و نهی شود خود از خطا دست بر می‌دارد یعنی معروف را به جا می‌آورد و منکر را ترک می‌کند، امر و نهی او واجب نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند واجب نیست. (رساله امام خمینی، مسأله 2791)

نداشتن مفسده مهم‌تر

شرط چهارم امر به معروف و نهی از منکر، نداشتن مفسده است. یعنی باید امر و نهی مفسده نداشته باشد، بدین ترتیب اگر امر و نهی موجب شود به شخص امر و نهی کننده و یا به مسلمان دیگر مفسده‌ای از قبیل ضرر جانی و یا آبرویی و یا مالی برسد، در این جا امر و نهی واجب نیست. البته مکلف موظف است ملاحظه اهمیت را بکند. یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده امر و نهی و مفسده ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهم‌تر است عمل نماید. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

کسی که می‌ترسد در صورت اقدام به امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسی که دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی است از ناحیه او ضرر قابل توجهی ببیند، واجب نیست او را امر و نهی کند به شرطی که منشأ ترسش، عقلایی باشد. ولی سزاوار نیست کسی به صرف ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به صرف احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند. به هر حال رعایت اهم و مهم لازم است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۹ و ۱۰۶۱)

اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمیت شود و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی شود، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال، واجب است بذل آن. (رساله امام خمینی، مسأله 2792)

مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

رعایت مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب است. یعنی تا به مرحله ی پایین تر مقصود حاصل می شود نباید وارد مرحله بالاتر شد. (رساله آموزشی، ج 1، ص 335)

امر و نهی قلبی

مرحله اول امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی قلبییا امر و نهی با قلب است. مقصود از امر و نهی قلبی، اظهار رضایتیا کراهت قلبی است یعنی مکلف باید رضایت قلبی خود را نسبت به معروف و تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به منکر آشکار سازد و از این راه فردی که معروفی را ترک می کند و یا منکری را به جامی آورد را به انجام معروف و ترک منکر وادار سازد. (رساله آموزشی، ج 1، ص 335)

امر و نهی قلبی (اظهار رضایت و تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین ترین درجه و سبک ترین راه می توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت نباید متوسل به درجه ی بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشم فرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان به لب گرفتن، با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن، روگرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر و ترک معاشرت کردن. (رساله آموزشی، ج 1، ص 335)

امر و نهی لسانی

مرحله دوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی لسانی (زبانی) یا امر و نهی با زبان است. مقصود از امر و نهی زبانی این است که مکلف باید با گفتن از طرف بخواهد از منکر دست بردارد و معروف را انجام دهد. (رساله آموزشی، ج 1، ص 336)

امر و نهی لسانی، درجاتی دارد که تا با پایین ترین درجه و آرام ترین لحن می توان به مقصود رسید، نباید اقدام به درجه ی بالاتر کرد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: ارشاد کردن، تذکر دادن، موعظه کردن، پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیانها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن. (رساله آموزشی، ج 1، ص 336)

اگر در بعضی از مراتب نهی زبانی (مرحله دوم) اهانت و ایذاء کمتری هست نسبت به آنچه در مرحله اول گفتیم و غرض با همان حاصل می‌شود، واجب است به همان مقدار اکتفا شود و وظایف مرحله اول را انجام ندهد. مثلاً اگر فرض شود موعظه و ارشاد با بیان نرم و روی گشاده مؤثر و یا محتمل‌التأثیر است و کمتر از اعراض و قهر کردن و امثال آن طرف را آزار می‌دهد، نباید از این نهی زبانی که مرحله دوم است تجاوز نموده به اعراض که مرحله اول است تمسک بجوید. اشخاص چه امر کنندگان و چه امر شونده‌گان از نظر اخلاق و احوال بسیار مختلفند، بسیاری هستند که اعراض و قهر کردنشان طرف را بیشتر آزار می‌دهد و برای او سنگین‌تر و اهانت‌آمیزتر است، تا امر به معروف و نهی از منکر زبانی. بنابراین بر امر کننده و نهی کننده لازم است رعایت مراتب و اشخاص را بنماید و وظیفه خود را به آسانتر و آسانترین راه انجام دهد. (تحریر الوسيله امام خمینی(ره)، مسأله 6)

امر و نهی عملی

مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی با دست (کنایه از اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور) است. مقصود از امر و نهی عملی این است که مکلف باید با اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور، طرف را از انجام منکر و ترک معروف باز دارد. (رساله آموزشی، ج 1، ص 336)

با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب بعد از مرحله‌ی امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخل (پلیس) و قوه‌ی قضاییه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند، ولی در شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آن‌ها تا تحقق غرض انجام دهند. (رساله آموزشی، ج 1، ص 336)

اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه‌ی جلوگیری از فساد را بر عهده دارند در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی کنند، دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظایف نیروهای امنیتی و قضایی محسوب می‌شود جایز نیست، ولی مبادرت مردم به امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرایط آن، اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۳)

عامل بودن شرط نیست

در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی کننده به آنچه امر می‌کند عمل نماید و از آنچه نهی می‌کند اجتناب ورزد. یعنی امر و نهی بر شخص گناه‌کار هم واجب است و او نمی‌تواند به عذر این که گناه می‌کند خود را از این

وظیفه بزرگ تبرئه سازد. (این که در منابع دینی از افرادی که خود عمل نمی کنند و دیگران را به عمل وامی دارند و یا خود گناه می کنند و دیگران را از گناه باز می دارند مذمت و نکوهش بسیار شده برای این است که چرا خود عمل به وظیفه نکرده اند، نه برای این که چرا امر و نهی کرده اند). (رساله آموزشی، ج 1، ص 332)

وظیفه کسی که قادر به انجام امر به معروف و نهی از منکر نیست

اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد تکلیفی نخواهند داشت، مثلا اگر خوف داشته باشند که در صورت مبادرت به این فریضه، ضرری از طرف مسؤولین بالاتر متوجه آنان می شود تکلیف از آنها ساقط می شود. البته این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد، ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد بر کسی که قادر بر این فریضه نیست واجب است که نهادهای ذیربط را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته اند مطلع نمایند و تا کنده شدن ریشه های فاسد که فسادآور هم هستند موضوع را پیگیری کند. (اجوبه الاستفتاءات، س 1082)

راه های غیر قانونی برای جلوگیری از فساد

وظیفه اشخاصی که از تخلفات قانونی مطلع می شوند، نهی از منکر با رعایت شرائط و ضوابط شرعی آن است، و توسل به رشوه و راه های غیرقانونی برای هر عملی هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست. البته، با فرض وقوع چنین عمل خلاف شرع و قانون در کشوری که نظام اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی شود، بلکه واجب است که به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پیگیری نمایند. (اجوبه الاستفتاءات، س 1083)

نهی از منکر در دانشگاه

سؤال: گاهی مشاهده می کنیم که دانشجوی دانشگاهی و یا کارمندی مرتکب فعل حرام می شود، حتی بعد از تذکرات و راهنمایی های مکرر هم از کار خود دست برنمی دارد، بلکه بر انجام کارهای زشت که باعث ایجاد جو فاسد در دانشگاه است، اصرار می ورزد، نظر شریف جنابعالی درباره اعمال بعضی از مجازات های اداری مؤثر مثل ثبت در پرونده آنها چیست؟

جواب: با مراعات نظام داخلی دانشگاه اشکال ندارد، و بر جوانان عزیز لازم است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر را جدی گرفته و شرائط و احکام شرعی آن را به دقت بیاموزند و این اصل را عام و فراگیر نموده و روش های اخلاقی و مؤثر را برای تشویق فعل معروف و جلوگیری از ارتکاب محرمات به کار بگیرند، و از استفاده از آن برای اغراض شخصی باید

خودداری نمایند و بدانند که این راه بهترین و مؤثرترین روش برای ترویج کار خیر و جلوگیری از شرّ است. خداوند شما را به آنچه رضای او در آن است، موفق بدارد. (اجوبه الاستفتاءات، س 1074)

وظیفه مردم و علما در برابر منکرات دولتها

اگر بدعتی در اسلام واقع شود، مثل منکراتی که دولتها اجرا می کنند به اسم دین مبین اسلام، واجب است خصوصاً بر علمای اسلام اظهار حق و انکار باطل و اگر سکوت علمای اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علمای اسلام شود، اظهار حق به هر نحوی که ممکن است واجب است، اگر چه بدانند تأثیر نمی کند. (توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله 2793)

نظر به نامحرم برای امر به معروف

سؤال: بعضی از برادران برای امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و ارشاد به مکان‌هایی می‌روند که ممکن است زنان بی حجاب در آنجا حضور داشته باشند، آیا از آنجا که برای امر به معروف به آنجا رفته‌اند، نگاه کردن به زن‌های بی حجاب برای آنان جایز است؟

جواب: نگاه اول اگر بدون قصد باشد، اشکال ندارد، ولی نگاه عمدی به غیر از صورت و دست‌ها تا میج جایز نیست، هر چند به قصد امر به معروف باشد. (اجوبه الاستفتاءات، س 1086)

نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریبه به زن نامحرم نیست

سؤال: امر و نهی زنانی که حجاب کامل ندارند، چه حکمی دارد، و در صورتی که انسان هنگام نهی زبانی از تحریک شهوت خود بترسد، چه حکمی دارد؟

جواب: نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریبه به زن نامحرم نیست، و بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند، بخصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه نهی از منکر می‌کند. (اجوبه الاستفتاءات، س 1068)

وظیفه جوانان مؤمن

سؤال: وظیفه جوانان مؤمن در دانشگاه‌های مختلط در برابر مفاسدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می‌کنند، چیست؟

جواب: بر آنان واجب است که ضمن دوری جستن از ابتلا به مفسد، در صورت تمکن و تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند. (اجوبه الاستفتاءات، س 1087)

آبروی شخصی که منکر را انجام داده

سؤال: اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم بی آبرویی کسی که واجب را ترک کرده و یا فعل حرام را به جا آورده باشد، و موجب کاسته شدن احترام او در برابر مردم گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در امر به معروف و نهی از منکر، شرائط و آداب آن رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود، اشکال ندارد. (اجوبه الاستفتاءات، س 1053) مجرد بودن امر به معروف و ناهی از منکر

سؤال: اگر در بعضی از محیطهای دانشگاهی معروف ترک شود و معصیت رواج پیدا کند و شرائط امر به معروف و نهی از منکر هم وجود داشته باشد و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر شخصی مجرد باشد که هنوز ازدواج نکرده است آیا به خاطر مجرد بودن، امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می شود یا خیر؟

جواب: اگر موضوع و شرائط امر به معروف و نهی از منکر محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه واجب اجتماعی و انسانی همه مکلفین است، و حالت های مختلف مکلف مانند مجرد یا متأهل بودن در آن تأثیر ندارد، و به صرف اینکه مکلف مجرد است، تکلیف از او ساقط نمی شود. (اجوبه الاستفتاءات، س 1060)

اگر نهی از منکر موجب بد بینی به دین شود؟

سؤال: گاهی در اثنای امر به معروف و نهی از منکر مواردی پیش می آید که شخص گناهگار بر اثر عدم آگاهی از واجبات و احکام اسلامی، با نهی از منکر، نسبت به اسلام بدبین می شود، و اگر هم او را به حال خود رها کنیم، زمینه فساد و ارتکاب گناه توسط دیگران را فراهم می کند، تکلیف ما در این موارد چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و مجرد توهم اینکه موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می گردد، باعث نمی شود که این وظیفه بسیار مهم ترک شود. (اجوبه الاستفتاءات، س 1062)

موسیقی در ماشین

کسی که با رانندگانی مواجه می شود که از نوارهای موسیقی غنا و حرام استفاده می کنند وظیفه دارد با تحقق شرایط نهی از منکر، نهی از منکر کند، منتها بر او بیشتر از نهی از منکر زبانی واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود واجب

است که از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کند و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش او برسد چیزی بر او نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۵)

اقوام و آشنایان معصیت کار

هرگاه یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسب به آن لایبالی باشد، باید از اعمال خلاف شرع وی اظهار تنفر کرد و او را به هر روش برادرانه‌ای که مفید و مؤثر است پند و اندرز داد، ولی قطع رحم‌جایز نیست. بلی چنانچه احتمال داده شود که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می‌شود، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۵۸ و ۱۰۷۱)

تقلید و ترویج فرهنگ غربی

پوشیدن طلا یا آویختن آن به گردن بر مردان مطلقاً حرام است، و پوشیدن لباس‌هایی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلید و ترویج فرهنگ مهاجم غیر مسلمانان در نظر عرف محسوب می‌شود، جایز نیست، همچنین استفاده از زیور آلاتی که استعمال آن تقلید از فرهنگ تهاجمی دشمنان اسلام و مسلمین محسوب شود، جایز نیست و بر دیگران واجب است که در برابر این گونه مظاهر فرهنگی تقلیدی از بیگانگان مبادرت به نهی از منکر زبانی کنند. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۷۳)

ماهواره

سؤال: در همسایگی ما شخصی دارای دستگاه ماهواره است. اگر امر به معروف به صورت گفتار و به نرمی باعث شود ما متضرر شویم و یا احتمال این را بدهیم که در آنها اثری نداشته باشد. آیا وظیفه ما این است که به نیروی انتظامی اطلاع دهیم؟

جواب: اگر از ماهواره استفاده‌ی حرام می‌شود و با اعلام به نیروی انتظامی جلوی استفاده حرام گرفته خواهد شد. اعلام، از مصادیق نهی از منکر است و لازم می‌شود. (استفتائات جدید)

1371 /04 /22 /فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

1369/03/10 /پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

1371 /05 /07 /مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1371 /05 /07 /مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1371 /07 /29 /دیدار با قشرهای مختلف مردم

1370/12/14 /جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان

1371/11/01 /مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث

1374/10/05 /فرماندهان، مسئولان و پرسنل سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان

1379 /09 /25 /خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1379 /09 /25 /خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1359/02/05

1369/03/10 /پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

1379/07/14 / جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

1375/02/26 /بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان

1368/10/19 /دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

1379 /09 /25 /خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1371 /04 /22 /فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

1368/10/19 /دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

1379 /04/19 /دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

1379 /09 /25 /خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1379 /09 /25 /خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1379/08/23 / پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

1371/04/22 / فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

1366/2/18 / نماز جمعه

1377/02/22 / پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

1377/12/04 / پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

1368/10/19 / دیدار با جمع کثیری از افشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

1379/08/23 / پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1377/12/04 / پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1372/06/14 / بیانات در دیدار کارگزاران نظام

1374/12/01 / بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر

1375/09/24 / بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

1375/09/24 / بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

1375/02/26 / بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان

1379/08/23 / پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

1379 /04/19 / دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

1379/08/23 / پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

1377/02/22 / پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

1375 /02/26 / روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی «ماه محرم»

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1378 /01/23 / علما و روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم الحرام

1391/07/19 / علما و روحانیون خراسان شمالی

1370/08 /15 / گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

1370/08 /15 / گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

1371 /04 /22 / فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

1371 /07 /29 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

1371 /07 /29 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

1377/02/22 / پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

1377/02/22 / پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

1377/12/04 / پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

1379 /04/19 / دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

1382 /02/22 / پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

1377/02/22 / پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

أجوبة الاستفتاءات، سؤال ۱۰۷۴

1380/06/15 / دیدار با اعضای مجلس خبرگان

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1374/03/19 / بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1371 /07 /29 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

1391/02/23 / جمعی از مداحان سراسر کشور

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1379 /09 /25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1379/09/25 / خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

1375/09/24 / بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

1368/10/19 / دیدار با جمع کثیری از افشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

1380 /05/11 / پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1371 /07 /29 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

1371 /07 /29 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

1375 /02/26 / روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی «ماه محرم»

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1371 /04 /22 / فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1371 /05 /07 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

1386/04/13 / گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی روز میلاد حضرت زهرا(س)

1371/06/04 / اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور

1371/06/04 / اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور

1371/06/04 / اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور

1377/12/04 / پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

15 / 1370/08 / گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

29 / 07 / 1371 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

25 / 09 / 1379 / خطبه های نماز جمعه ی تهران

16 / 03 / 1375 / اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

01 / 01 / 1372 / پیام به مناسبت حلول سال نو

08 / 03 / 1368 / پیام به گردهمائی اعضای هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری سراسر کشور

19 / 10 / 1368 / دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

22 / 04 / 1371 / فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

29 / 07 / 1371 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

29 / 07 / 1371 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

29 / 07 / 1371 / دیدار با قشرهای مختلف مردم

07 / 05 / 1371 / دیدار با علما و روحانیون

15 / 08 / 1370 / گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

01 / 12 / 1374 / خطبه های نماز عید فطر

25 / 06 / 1389 / بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری

22 / 04 / 1371 / فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

14 / 12 / 1370 / جمعی از روحانیون، ائمه ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه ی ماه مبارک رمضان

22 / 04 / 1371 / فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

07 / 05 / 1371 / مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

05 / 02 / 1359

۱۳۹۲/۰۶/۲۸ / شرح حدیث اخلاقی، درس خارج فقه

۱۳۷۱ / ۰۷ / ۲۹ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۱۳۷۷ / ۰۱ / ۲۷ / با مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید غدیر

۱۳۷۹ / ۰۹ / ۲۵ / در خطبه های نماز جمعه ی تهران

۱۳۹۰ / ۰۵ / ۱۶ / بیانات در دیدار مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران

۱۳۷۰ / ۰۳ / ۱۳ / پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۱۳۷۹ / ۰۸ / ۲۳ / پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

۱۳۷۶ / ۰۷ / ۰۷ / پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز

سایت جامع سربازان اسلام

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم

لیبیک یا خامنه ای ، لیبیک یا حسین (ع) است